

ورود مذاکره به منطقه ممنوعه

هنوز یک روز از اعلام رسمی سخنگوی وزارت امور خارجه مبنی بر اینکه «درباره جزئیات مسائل هسته‌ای هیچ مذاکره‌ای در این مرحله صورت نگرفته است» نگذشته بود که معاون رئیس‌جمهور آمریکا با تشریح جزئیاتی از مذاکرات سوئیس، تصویری کاملاً متفاوت ارائه کرد؛ تصویری که نشان دهنده عبور از خطوط قرمز و حتی تفاهم روسای جمهور دو کشور است.

۷



توافق برای ورود جاسوسان آژانس!

چنانچه سخنان ونس و وزیر خزانه‌داری آمریکا تکذیب نشود، خروجی مذاکرات ژنو برای ایران خسارت محض است ۲



دست‌آورد جدید در خلق رکود تورمی

۵

اما واگرهای تعلیق موقت تحریم نفتی ایران

۴



نقد برای آمریکا؛ نسبه برای ایران

امیر شهشهانی
روزنامه‌نگار

اظهارات اخیر جی‌دی ونس درباره تفاهم سوئیس، شاید بیش از هر متن و بند محرمانه‌ای، ماهیت نگرانی‌ها و اولویت‌های طرف آمریکایی را آشکار کرد. وقتی معاون رئیس‌جمهور آمریکا با صراحت اعلام می‌کند که ایران با بازگشت بازرسان آژانس موافقت کرده و حتی با لحنی طنزآلود از تماس‌های ساعت دو با ممداد با بازرسان هسته‌ای سخن می‌گوید، در واقع مهم‌ترین دست‌آورد فوری واشنگتن از این تفاهم را فاش می‌کند.

متن کامل در صفحه ۷

صفحه ۱۱

فرهنگی

ما استاد نبردهای نامتقارنیم!

تساوی بدون گل برابر بلژیک، برای ایران فراتر از یک نتیجه فوتبالی بود. بازی یکشنبه نمایشی از ایستادگی تیمی بود که در یکی از پیچیده‌ترین شرایط تاریخ حضورش در جام جهانی به میدان رفت و برخلاف بسیاری از پیش‌بینی‌ها، یکی از قدرت‌های فوتبال اروپا را متوقف کرد.

صفحه ۶

بین الملل

ناامید از جنگ؛ امیدوار به مذاکره

به سختی می‌توان گزارش یا تحلیلی یافت تصریح کرده باشند که آمریکا توانسته است حتی یکی از اهداف خود در جنگ با ایران را محقق کند. فارن پالیسی هم در امتداد همین ترند، در یکی از آخرین گزارش‌های خود، جنگ با ایران را مبداء یک تغییر ژئوپلیتیکی بزرگ در جهان یاد کرد.

چنانچه سخنان ونس و وزیر خزانه داری آمریکا تکذیب نشود، خروجی مذاکرات ژنو برای ایران خسارت محض است

توافق برای ورود جاسوسان آژانس!

مجموعه‌ای که می‌توان آن را یک بسته شکست دیپلماتیک توصیف کرد، از جمله نکات قابل توجه در نشست خبری ونس، موضوع معافیت‌های نفتی ایران و همچنین ادعای موافقت هیات مذاکره‌کننده با بازگشت بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بود.

مذاکرات ژنو که با نقض پیش‌شرط‌های ایران در موضوع آزادسازی پول‌های بلوکه‌شده و همچنین آتش‌بس در لبنان آغاز و با توییت موهن و تحقیرآمیز رئیس‌جمهور آمریکا علیه هیات مذاکره‌کننده ادامه یافت، با نشست خبری ونس و بیان جزئیاتی تأییدنشده از توافقات احتمالی دو طرف به پایان رسید.



است: «به عنوان بخشی از آن چارچوب وزارت خزانه‌داری اقدام به صدور یک مجوز عمومی ۶۰ روزه برای مجاز کردن تولید، عرضه و فروش نفت ایران کرده است.»

اینها در حالی است که سخنگوی وزارت خارجه ایران مذاکره با هیئت آمریکایی در خصوص موضوع هسته‌ای را رد کرده است. اسماعیل بقائی که یکی از اعضای همراه تیم مذاکره‌کننده ایران در سوئیس است در پاسخ به سوالی درباره صحت گزارش‌های رسانه‌ای مبنی بر طرح موضوع هسته‌ای در چارچوب جلسات و مطرح شدن ابعاد یک توافق هسته‌ای در جریان مذاکرات سوئیس گفت که «هیأت آمریکایی در بخشی از سخنان خود، مواضعش درباره موضوع هسته‌ای را به صورت بسیار کوتاه بیان کرد. او با بیان اینکه هیأت نمایندگی ایران هم مواضع خودش را مطرح کرده گفت: «این مذاکره نبود، بلکه صرفاً بیان مواضع بود و دیدگاه‌های جمهوری اسلامی ایران نیز بسیار صریح و روشن بیان شد.»

بقای ۲۹ خردادماه گذشته هم گفته بود که ایران برنامه‌ای برای بازگشت بازرسان آژانس به ایران ندارد.

ادعای بازگشت بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به ایران در حالی به عنوان خروجی مذاکرات اخیر مطرح شده که سال گذشته و در پی فعال‌سازی مکانسیم ماشه توسط سه کشور اروپایی، اعلام شده بود که توافق عراقچی و گروسی در قاهره در موضوع ساختار جدید نظارت‌های پس از حملات آمریکا به تأسیسات اتمی ایران بلاموضوع شده است. علاوه بر این، گروسی و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در جریان دو جنگ ۱۲ روزه و رمضان، عملاً و صریحاً در کنار آمریکا و رژیم صهیونی ایستادند و در نهایت هم مدیرکل آژانس، حاضر به محکومیت حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران نشد.

بعد از جی دی ونس، معاون ترامپ وزیر خزانه‌داری آمریکا هم مدعی شده که ایران متعهد شده به بازرسان آژانس اتمی اجازه ورود به کشور را بدهد. اسکاوت بسنت در اینباره نوشت: «همزمان با گفت‌وگوهای نتیجه‌بخش در سوئیس ایران به ترانزیت آزاد و رایگان در تنگه هرمز و دادن اجازه برای ورود بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به آن کشور متعهد شده است.» وی اضافه کرده

عباس عراقچی، وزیر امور خارجه کشورمان روز گذشته پس از پایان مذاکرات فشرده بورگن اشتوک سوئیس در صفحه شخصی خود در یکی از شبکه‌های اجتماعی نوشت: میانجی‌گری خستگی‌ناپذیر پاکستان و قطر باعث پیشرفت‌های بزرگی برای پایان دادن به جنگ در لبنان شد. همچنین تحریم صادرات نفت و پتروشیمی تعلیق شد، محاصره دریایی برداشته شد، برخی از دارایی‌های مسدود شده آزاد شدند و طرح بزرگ بازسازی و توسعه اقتصادی ایران اجرایی شد. وی افزود: اولین آزمون واقعی: واحد رفع درگیری‌ها در لبنان. در نقطه مقابل اما معاون رئیس‌جمهور آمریکا در نشست خبری خود مدعی شد: ایرانی‌ها موافقت کرده‌اند که بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را به کشورشان بازگردانند. این یک نقطه عطف بزرگ برای مردم آمریکا است. و اولین گام در خلع سلاح هسته‌ای دائمی و پایان دادن همیشگی به برنامه تسلیحات هسته‌ای در ایران است.

جعفر کاظمی
روزنامه‌نگار

انتصاب مدیر مرکز خدمات حوزه توسط رهبر انقلاب

حضرت آیت‌الله‌سید مجتبی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب در حکمی حجت الاسلام والمسلمین محمد حسین احسانی را به عنوان مدیر مرکز خدمات حوزه‌های علمیه کشور منصوب کردند. در جلسه‌ای که در سالن اجتماعات مرکز خدمات حوزه‌های علمیه تشکیل شد حکم مقام معظم رهبری توسط حجت الاسلام والمسلمین محمدیان، معاون ارتباطات حوزوی دفتر مقام معظم رهبری قرائت شد.

تکذیب خبرسازی‌ها علیه دکتر جلیلی

در روزهای اخیر در برخی از کانال‌های غیر رسمی به نقل از دکتر سعید جلیلی نقل قول‌های مختلف و نادرست از ایشان منتشر شده کرده‌اند. پیگیری‌ها نشان می‌دهد تمامی این نقل قول‌ها غیر معتبر و نادرست بوده و مواضع دکتر سعید جلیلی صرفاً از صفحات رسمی ایشان در شبکه‌های مجازی رسمی ایشان در پیام‌رسان‌های ایرانی منتشر خواهد شد. هر نقل قولی به جز موارد منتشر شده در این صفحات رسمی مانند موارد ادعایی منتشر شده کانال‌های حاشیه‌ساز و با ادعاهای غیررسمی یا اخبار از واقعیت‌های تکذیب می‌شود. این رفتارهای غیر اخلاقی به منظور به حاشیه بردن پیام تاریخی رهبر انقلاب انجام می‌شود که قطعاً به نتیجه نخواهد رسید.

انتقادات خضریان از تفاهم پزشکبان و ترامپ

عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس با اشاره به یکی از بندهای تفاهم‌نامه اظهار داشت: در حالی که هدف اعلامی، پایان دادن به جنگ بوده است، در متن توافق پیش‌بینی شده نیروهای نظامی آمریکا تا ۳۰ روز پس از توافق نهایی در منطقه باقی بمانند. این موضوع به معنای استمرار فضای تهدید و حفظ شرایط نه جنگ و نه صلح علیه ایران است. علی خضریان گفت: در حالی که در تفاهم‌نامه بر آزادسازی دارایی‌های بلوکه‌شده ایران تأکید شده، تاکنون اقدام عملی قابل توجهی در این زمینه صورت نگرفته است. وی افزود: در جلسات کمیسیون امنیت ملی اعلام شد بخشی از منابع مالی ایران قرار است از طریق سازوکارهای پیش‌بینی شده در اختیار کشور قرار گیرد، اما تا این لحظه هیچ پرداختی انجام نشده و این مسئله ضرورت توجه به اجرای عملی تعهدات را دوچندان می‌کند.

دیدار معاون شعام با وزیر امور خارجه چین

معاون دبیر شورای عالی امنیت ملی در دیدار وزیر امور خارجه چین، با تأکید بر شراکت راهبردی دو کشور، از حمایت‌های سیاسی دولت چین در جریان جنگ اخیر قدردانی کرد و با اشاره به ظرفیت‌های گسترده موجود، بر ضرورت تقویت همکاری‌های دو کشور در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و امنیتی تأکید کرد. قدیر نظامی با اشاره به مقاومت جمهوری اسلامی ایران در برابر تجاوز خارجی، این پیروزی را نتیجه رهبری حکیمانه، ایمان و ایستادگی ملت ایران و توانمندی نیروهای مسلح کشورمان دانست. وی همچنین با اشاره به ظرفیت‌های گسترده موجود، بر ضرورت تقویت همکاری‌های دو کشور در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و امنیتی تأکید کرد.

سفر پزشکبان به پاکستان تأیید شد

حبیب عباسی، مدیرکل روابط عمومی دفتر ریاست جمهوری سفر آقای پزشکبان، رئیس‌جمهور، به پاکستان را تأیید کرد. به گفته وی، این سفر فردا انجام می‌شود و احتمالاً یک روزه است. به گفته عباسی، پیگیری مصوبات سفرهای قبلی، بررسی زمینه‌های گسترش روابط اقتصادی میان دو کشور و قدردانی رئیس‌جمهور از پیگیری‌های پاکستان در موضوع میانجیگری میان ایران و آمریکا، از دلایل این سفر آقای رئیس‌جمهور است.

بهارستان

رسایی: حالا که صلح شده چرا صحن را باز نمی‌کنید؟



حجت‌الاسلام رسایی نماینده مردم تهران در مجلس در جلسه مجازی مجلس شورای اسلامی مورخ ۳۱ خرداد خطاب به اعضای هیأت رئیسه گفت: بعد از ۴ ماه تعطیل کردن مجلس، شما امروز هم جلسه علنی نگرفتید و حتی دستور همین جلسه نیز با اصلی‌ترین مسأله روز کشور که مذاکرات و تفاهمنامه است ارتباطی ندارد! وی خطاب به نیکزاد رئیس جلسه نیز گفت: الان فرمودید دیروز سران سه قوه جلسه گرفته‌اند و به آنها تذکر داده‌اند که چرا جلسه گرفتید! کی تذکر داده؟ چه کسی در کشور می‌تواند به رئیس مجلس، رئیس قوه قضائیه و رئیس‌جمهور تذکر بدهد؟ این حرف یعنی چی؟ یعنی رهبری تذکر داده؟! منظورتان حتماً این نیست، چون می‌دانید رهبری این کار را نمی‌کند! رسایی در ادامه تصریح کرد: آقای صمصامی حرف از کودتای پارلمانی زدند، این حرف بی‌جا نیست! حدود چهل پنجاه روز پیش آقای روح‌الامینی گفت قالیباف به رهبری نامه نوشته‌اند تا اذن بگیرند که جلسات مجلس مجازی شود، رهبری به این نامه پاسخ ندادند! بعد ۷ خرداد رهبری به مجلس پیام دادند و فرمودند بروید مثل این ملت مبعوث شده باشید! باز هم شما مجلس را باز نکردید! شما نه نیازی به اذن داشتید نه استیذان، شما می‌توانستید طبق تبصره یک ماده یک قانون مجلس عمل بکنید. الان هم که آقای قالیباف دستش در دست ونس است! شما که صلح کردید دیگر چرا جلسه نگرفتید؟ رسایی در پایان تصریح کرد: ما یکشنبه آینده می‌آیم آنجا، یا درب مجلس باز است و آنجا جلسه را برقرار می‌کنیم، یا همان جلو در مجلس جلسه را برگذار می‌کنیم و مردم هم بنشینند نگاه کنند. یکشنبه آینده ساعت ۸ صبح! انشاالله تا آن روز شما مجلس را باز کرده باشید!

خبر کوتاه

رضایی: آمریکا را پاسخگو می‌کنیم

سرلشکر محسن رضایی در فضای مجازی نوشت: ایالات متحده براساس تفاهم با جمهوری اسلامی ایران، مسئول تجاوزها و اقدامات تنش‌زای رژیم صهیونیستی در لبنان است و باید پاسخگو باشد. در صورت تهدید علیه ایران، آمریکایی‌ها را پاسخگو می‌کنیم.

هشدار سردار قآنی به صهیونیست‌ها

فرمانده نیروی قدس سپاه به نظامیان تروریست ارتش رژیم صهیونی هشدار داد: اگر به تجاوز و اشغالگری اصرار کنید، با لگد بیرون رانده می‌شوید. سردار قآنی در این پیام ضمن یادآوری اینکه نظامیان متجاوز و تروریست صهیونیست، کمتر از ۴ روز ۱۰۰ نفر تلفات دادند به دشمن هشدار داد: اگر با پای خود از جنوب لبنان خارج نشوید، حماسه سال ۲۰۰۰ بار دیگر تکرار خواهد شد؛ همان سالی که با خفت و خواری از این سرزمین فرار کردید.

طراحی مسیرهای متعدد برای تشییع رهبر شهید انقلاب

سردار حسن زاده مسئول ستاد مراسم وداع و تشییع رهبر شهید انقلاب در تهران با اشاره به بررسی‌های گسترده انجام‌شده برای نحوه برگزاری مراسم تشییع گفت: در جلسات مختلف تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی، تمامی مسیرهای پیشنهادی و شیوه‌های متفاوت برگزاری مراسم مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت جمع‌بندی این شد که با توجه به حضور گسترده مردم، چاره‌ای جز پیش‌بینی مسیرهای مختلف برای برگزاری مراسم تشییع در تهران وجود ندارد. وی افزود: پیش‌بینی ما این است که هیچ‌یک از مسیرهای پیشنهادی به تنهایی ظرفیت و گنجایش لازم برای حضور میلیونی، چندمیلیونی و حتی شاید چندده میلیونی زائران، دوستداران و عاشقان امام شهید را نداشته باشد؛ از این رو طراحی مراسم بر مبنای مسیرهای چندگانه انجام شده است. سردار حسن زاده ادامه داد: مسیرهای اصلی از محورهای شرق به غرب و همچنین شمال و جنوب تهران پیش‌بینی شده و تمهیدات گسترده‌ای برای مدیریت این مراسم در نظر گرفته شده است.

امیر الهامی: پدافندهوایی کاملاً آماده است

فرمانده قرارگاه مشترک پدافند هوایی خاتم الانبیاء (ص) کشور گفت: امروز یگان‌های عملیاتی پدافند هوایی در سراسر کشور همچنان مستحکم پای کار دفاع از آسمان مقدس ایران اسلامی ایستاده‌اند. وی افزود: ما در یک جنگ نابرابر با سربلندی و افتخار بیرون آمدیم و لازم است تجربیات ارزشمندی که در جنگ ۱۲ روزه و در جنگ رمضان به دست آوردیم برای آیندگان ثبت و ضبط شود.

سردار ابن‌الرضا: به نقض تفاهم‌نامه واکنش سنگین خواهیم داشت

سردار سید مجید ابن‌الرضا، سرپرست وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران در گفت‌وگوی تلفنی با «خواجه محمد آصف»، وزیر دفاع پاکستان با قدردانی از تلاش‌های دولت و نیروهای مسلح پاکستان در روند مذاکرات و امضای تفاهمات اخیر، تأکید کرد: نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با وجود امضای سند تفاهم‌نامه، هیچ‌گاه به دشمن بدعهد اعتماد نداشته و در صورت نقض مفاد تفاهم، واکنش سنگین و پشیمان‌کننده‌ای خواهد داشت.

جزئیات آیین «بدرقه آقای شهید ایران»



پاسداشت

آیت‌الله‌عظمی سید علی حسینی خامنه‌ای در نخستین نشست خبری ستاد بزرگداشت عروج خونین امام شهید که در رواق کشور دوست برگزار شد، اظهار کرد: آیین وداع، تشییع و تدفین امام مجاهد شهید با عنوان «بدرقه آقای شهید ایران» برگزار خواهد شد و شعار محوری آن «باید برخاست» است. همچنین نماد این مراسم «مشت گره‌کرده» تعیین شده است. سخنگوی ستاد وداع، تشییع و تدفین حضرت آیت‌الله‌عظمی سید علی حسینی خامنه‌ای ادامه داد: نماز بر پیکر رهبر شهید انقلاب اسلامی در تهران، قم و مشهد مقدس اقامه خواهد شد. وی خاطرنشان کرد: در این

سخنگوی ستاد بزرگداشت رهبر شهید انقلاب، از برگزاری باشکوه مراسم وداع و تشییع ایشان با شعار محوری «باید برخاست» در تهران، قم و مشهد از تاریخ ۱۳ تیرماه خبر داد. ایمان عطارزاده سخنگوی ستاد بزرگداشت عروج خونین امام مجاهد شهید حضرت

با گذشت دو سال از عمر دولت پزشک‌یان و همزمان با تشدید اوضاع معیشتی، پزشک‌یان می‌گویند «نمی‌توانم آسوده بخوابم، درحالی‌که گروهی از مردم گرسنه بمانند».

بی‌خوابی پزشک‌یان!

رئیس‌جمهور در تازه‌ترین اظهارات خود با تأکید بر اینکه «با شعار نمی‌توان مشکلات را حل کرد» و با بیان اینکه «نمی‌توانم آسوده بخوابم، درحالی‌که گروهی از مردم گرسنه بمانند»، از دغدغه خود نسبت به وضعیت اقتصادی سخن گفت. این سخنان اما در حالی مطرح می‌شود که دولت چهاردهم طی ماه‌های گذشته با انتقادهای گسترده‌ای نسبت به عملکرد اقتصادی خود مواجه بوده و بسیاری از منتقدان و حتی حامیان دولت، بخش مهمی از مشکلات معیشتی امروز را نتیجه تصمیمات همین دولت می‌دانند؛ تصمیماتی که به اعتقاد آنان، بیشترین فشار را بر دهک‌های پایین جامعه وارد کرده است.

سعید قاسمی

روزنامه‌نگار

و افزایش نقد ینگی گرفته که رکوردهای تاریخ ایران را جابه‌جا کرد تا کاهش قدرت خرید خانوارها و تشدید مشکلات معیشتی، همگی به عواملی تبدیل شده‌اند که فشار مضاعفی بر زندگی مردم وارد کرده‌اند. از همین رو، این سؤال مطرح می‌شود که اگر رئیس‌جمهور امروز نسبت به تبعات خلق پول هشدار می‌دهد، چرا دولت او نتوانست با سیاست‌گذاری دقیق‌تر، از تشدید این روند جلوگیری کند؟

از سوی دیگر، ناکارآمدی‌های اقتصادی دولت به اندازه‌ای پررنگ شده که حتی بخشی از حامیان سیاسی و رسانه‌ای رئیس‌جمهور نیز در دفاع از عملکرد دولت با دشواری روبه‌رو شده‌اند. سکوت یا تغییر لحن برخی چهره‌هایی که تا چندی پیش از سیاست‌های دولت دفاع می‌کردند، از نگاه منتقدان نشانه‌ای از کاهش سرمایه اجتماعی دولت و دشوار شدن دفاع از کارنامه اقتصادی آن است.

همچنین اجرای برخی سیاست‌های اقتصادی بدون فراهم کردن زیرساخت‌های لازم، به «جراحی اقتصادی بدون بیهوشی» شباهت داشت؛ تصمیماتی که هزینه آن مستقیماً بر دوش مردم قرار گرفت و نارضایتی‌های اجتماعی را تشدید کرد. همین نارضایتی‌ها زمینه‌ساز رخداد‌های دی‌ماه شد؛ رخداد‌هایی که هزینه‌های امنیتی و اقتصادی قابل‌توجهی برای کشور به همراه داشت و فرصت سوءاستفاده رادر اختیار دشمنان ایران و کودتاچیان داخلی قرارداد.

اکنون رئیس‌جمهور از ضرورت همراهی



مردم، اصلاح ساختارها و تکیه بر راهکارهای علمی سخن می‌گویند، اما همگان تأکید دارند که اعتماد عمومی تنها با بیان دغدغه‌ها بازسازی نمی‌شود. جامعه بیش از هر چیز، نیازمند مشاهده نتایج ملموس در سفره مردم، مهار تورم، افزایش قدرت خرید و ثبات اقتصادی است. اساساً مردم به پزشک‌یان رأی ندادند که از پشت تریبون دغدغه‌های خود مردم را بیان کنند و به خاطر مردم بی‌خوابی بکشد. بالعکس مردم او را انتخاب کردند تا همین مشکلاتی که پزشک‌یان از آنها نام می‌برد مرتفع شده و بار سنگینی از روی دوش مستضعفین برداشته شود.

شاید به همین دلیل باشد که جمله «خواهم نمی‌برد» برای افکار عمومی، نه یک امتیاز برای دولت، بلکه یادآور این پرسش است که اگر مسئولان از ابتدا با برنامه‌ای دقیق، تیمی منسجم و آمادگی لازم اداره کشور را در دست می‌گرفتند، آیا اساساً کار به جایی می‌رسید که امروز رئیس‌جمهور از بی‌خوابی در برابر مشکلات معیشتی مردم سخن بگوید؟

اما واگرهای تعلیق موقت تحریم نفتی ایران

وزارت خزانه‌داری آمریکا عصر دیروز اعلام کرد که مجوزی صادر کرده که به ایران اجازه می‌دهد تا ۲۱ اوت ۲۰۲۶ (۳۰ مرداد ۱۴۰۵) نفت خام، محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی خود را به فروش برساند. بر اساس این مجوز، تمامی معاملات و خدماتی که برای تولید، فروش و انتقال این محصولات ضروری هستند، از جمله بیمه، مدیریت کشتی، تأمین خدمه، سوخت‌رسانی، ثبت و پرچم‌گذاری کشتی‌ها و عملیات نجات دریایی، مجاز خواهند بود. این مجوز شامل کشتی‌هایی می‌شود که پیش‌تر تحت تحریم‌ها قرار گرفته بودند. در متن مجوز آمده که واردات نفت خام، محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی با منشأ ایران به آمریکا نیز، در صورتی که بخشی از فرایند فروش، تحویل یا تخلیه مجاز باشد، امکان‌پذیر خواهد بود. اسکا



عضو کمیسیون اقتصادی مجلس در گفت‌وگو با نوبنیاد مطرح کرد:

اقتصاد ایران گرفتار «پول سالاری» شده

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی با انتقاد از برخی سیاست‌های اقتصادی دولت، بخش مهمی از مشکلات اقتصادی کشور را ناشی از «خطاهای محاسباتی در سیاست‌گذاری» دانست و تأکید کرد بسیاری از تصمیمات اقتصادی بدون آماده‌سازی افکار عمومی و بدون توجه به پیامدهای تورمی اجرا شده‌اند. او گفت: یکی از مهم‌ترین اشتباهات محاسباتی این است که برخی تصور می‌کنند با برقراری رابطه با آمریکا، مشکلات اقتصادی کشور حل خواهد شد، تورم کاهش می‌یابد و قیمت ارز تثبیت می‌شود؛ در حالی که این تحلیل از اساس نادرست است.

چنین تحلیل‌هایی وجود دارد. برخی معتقدند برای کاهش کسری بودجه دولت باید قیمت کالاها و خدماتی که دولت ارائه می‌دهد، از جمله بنزین، افزایش یابد تا درآمد دولت بیشتر شود. بخشی دست‌جردی افزود: اگرچه واقعیت این است که قیمت بنزین در سال‌های گذشته افزایش چندانی نداشته و باید متناسب با تورم اصلاح شود، اما تصور اینکه صرفاً با افزایش قیمت بنزین مشکل کسری بودجه حل می‌شود، یک تحلیل اشتباه است. در واقع این‌ها معلول هستند نه علت. وی ادامه داد: برخی تصور می‌کنند اگر قیمت بنزین، آب، برق و گاز افزایش یابد، مشکل اقتصادی کشور حل می‌شود، در حالی که ریشه مشکلات در جای دیگری است.

گرانی‌ها حاصل جنگ نیست

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس درباره ریشه تورم در اقتصاد ایران گفت: تورم در کشور پدیده‌ای ریشه‌دار است که قبل از جنگ نیز وجود داشته، در زمان جنگ هم وجود داشته و بعد از آن نیز ادامه خواهد داشت. ممکن است جنگ اثرات روانی کوتاه‌مدتی بر بازار بگذارد و باعث افزایش موقت قیمت برخی کالاها شود، اما بخش اصلی تورم ریشه در ساختار اقتصادی و سیاست‌های پولی و مالی دارد. وی اظهار کرد: برای مثال در حدود ۱۴ ماه گذشته قیمت گوشت حدود ۲۰۵ برابر شده و به طور متوسط ماهانه حدود ۸ درصد افزایش داشته است. قیمت مرغ نیز تقریباً ۳،۵ برابر شده است. این‌ها اتفاقاتی نیست که فقط ناشی از جنگ باشد.

بخشی دست‌جردی افزود: اقتصاد غرب بر پایه سرمایه‌داری شکل گرفته است و ممکن است ما با آن موافق نباشیم، اما حتی در همان نظام سرمایه‌داری نیز قواعد مشخصی وجود دارد. وقتی به نرخ بهره در کشورهایی مانند آمریکا، ژاپن یا کشورهای اروپایی نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که این نرخ‌ها بسیار پایین‌تر از ایران است. وی اظهار کرد: برخی در داخل کشور با استناد به نظریه‌های اقتصادی غربی سیاست‌هایی را اجرا می‌کنند که حتی با اصول همان نظریه‌ها نیز همخوانی ندارد؛ در حالی که اگر قرار است به آن نظریه‌ها استناد شود، باید به طور کامل و صحیح فهمیده و اجرا شود.

بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، نیز در توییتی نوشت: وزارت خزانه‌داری یک مجوز عمومی موقت ۶۰ روزه صادر کرده است که تولید، تحویل و فروش نفت ایران را مجاز می‌کند. وی افزود: این امتیاز در ازای موافقت ایران با بازگشایی کامل تنگه هرمز و همچنین ورود بازرسان آژانس به ایران ارائه شده است.

طبق بند ۱۰ تفاهم‌نامه ایران و آمریکا، واشنگتن متعهد می‌شود بلافاصله با امضای این یادداشت تفاهم و تا زمان خاتمه تحریم‌ها، اسقاطیه‌های وزارت خزانه‌داری را برای صادرات نفت خام ایران، محصولات پتروشیمی و مشتقات آن‌ها و تمامی خدمات مرتبط، شامل ترانک‌های بانکی، بیمه‌ها، حمل‌ونقل و غیره، صادر کند؛ یعنی ایران در ازای چنین تعلیقی نیازی به واگذاری هیچ امتیازی به طرف مقابل نداشته. پیش‌تر



نیما سهیلی
روزنامه‌نگار

اقتصاد ایران طی دو دهه گذشته با مجموعه‌ای از چالش‌های ساختاری و سیاستی مواجه بوده است؛ چالش‌هایی که بخش قابل‌توجهی از آن نه به تحریم‌ها و فشارهای خارجی، بلکه به نحوه تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری اقتصادی در داخل کشور بازمی‌گردد. با وجود آنکه برخی جریان‌های فکری و اجرایی در سال‌های اخیر حل مشکلات اقتصادی را به بهبود روابط خارجی و رفع تحریم‌ها گره زده‌اند، بسیاری از کارشناسان معتقدند حتی در صورت حذف کامل تحریم‌ها نیز بخش مهمی از مشکلات اقتصادی کشور پابرجا خواهد ماند؛ چرا که ریشه این مسائل در ساختارهای اقتصادی و خطاهای سیاست‌گذاری نهفته است.

در چنین شرایطی، هشدار رهبر معظم انقلاب درباره تلاش دشمن برای «ایجاد خطا در دستگاه محاسباتی مسئولان» بیش از پیش اهمیت پیدا می‌کند. در همین راستا، رسول بخشی دست‌جردی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، در گفت‌وگو با نوبنیاد به بررسی آثار این خطاهای محاسباتی بر اقتصاد ایران، سیاست‌های ارزی، نرخ بهره، تورم و معیشت خانوارها پرداخته است.

اثر سیاست‌های اقتصادی اشتباه چیست؟

بخشی دست‌جردی با اشاره به آثار محاسبات اشتباه در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی کشور اظهار کرد: برخی تصمیمات اقتصادی که در بدنه دولت گرفته می‌شود، ناشی از محاسبات غلط است و همین مسئله در یک سال گذشته آسیب‌های قابل‌توجهی به اقتصاد وارد کرده است. وی افزود: در برخی موارد این تصور وجود دارد که اگر ایران با آمریکا رابطه برقرار کند، مشکلات اقتصادی کشور حل می‌شود و تورم کاهش می‌یابد یا قیمت دلار دیگر افزایش پیدا نمی‌کند، در حالی که این تحلیل کاملاً غلط است. مسئله اقتصاد ایران در درجه اول ناشی از مشکلات داخلی اقتصاد است و وقتی سیاست‌های اقتصادی اشتباه اتخاذ می‌شود،



پول سالاری از سرمایه‌داری هم بدتر است

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس گفت: آنچه امروز در اقتصاد ایران مشاهده می‌شود بیشتر به «پول سالاری» شباهت دارد تا سرمایه‌داری. پول سالاری حتی از سرمایه‌داری هم بدتر است. وقتی به آن‌ها گفته می‌شود که نرخ بهره در ایران بسیار بالاست و باید کاهش پیدا کند، پاسخ می‌دهند که ابتدا باید تورم کنترل شود و بعد نرخ بهره کاهش یابد. عضو کمیسیون اقتصادی مجلس در پایان گفت: در حالی که اگر بخواهیم ابتدا تورم را کنترل کنیم و بعد به سراغ نرخ بهره برویم، ممکن است هیچ‌گاه به نتیجه نرسیم؛ زیرا یکی از ریشه‌های اصلی تورم همین نرخ بهره بالاست؛ بنابراین اگر قرار است تورم کاهش پیدا کند، باید به سراغ اصلاح نرخ بهره و هزینه تأمین مالی در اقتصاد رفت.

نبض اقتصاد

جزئیات تازه از حمله سایبری به ۴ بانک

بیش از ۱۰ روز از آغاز اختلال در سامانه‌های چهار بانک ملی، صادرات، تجارت و توسعه صادرات می‌گذرد و این اختلال هنوز برطرف نشده است. صبح شنبه هفته گذشته، ۲۳ خرداد بود که سامانه‌های خدمات‌رسانی این چهار بانک دچار اختلال شد. این اختلال شامل موبایل بانک، اینترنت بانک، بخشی از خدمات خودپردازها، برخی ترانک‌های بانکی و همچنین کندی یا خطا در ثبت عملیات مالی بود. این اتفاق باعث شد میلیون‌ها نفر از مردم و کسب‌وکارهای کشور در استفاده از خدمات بانکی با مشکل روبه‌رو شوند. شاید آزاردهنده‌تر از طولانی شدن این اختلال، ضعف مفرط در نحوه اطلاع‌رسانی به مردم و مدیریت افکار عمومی در این موضوع بوده است. بانک مرکزی به عنوان متولی اصلی حفظ و پایداری شبکه بانکی، پس از ۶ روز اطلاعیه‌ای صادر کرد که نکته جدیدی نداشت و حتی چشم‌اندازی از زمان پایان این مسئله ارائه نکرد. در اطلاعیه بانک مرکزی اعلام شد اختلال در بانک‌های ملی، صادرات، تجارت و توسعه صادرات در اثر حمله سایبری به زیرساخت ارتباطی این بانک‌ها ایجاد شده و پس از تلاش‌های کارشناسان فنی، خدمات پایه مبتنی بر کارت در این بانک‌ها، مجدداً و با استفاده از روش‌های جایگزین در اختیار مشتریان قرار گرفته است.

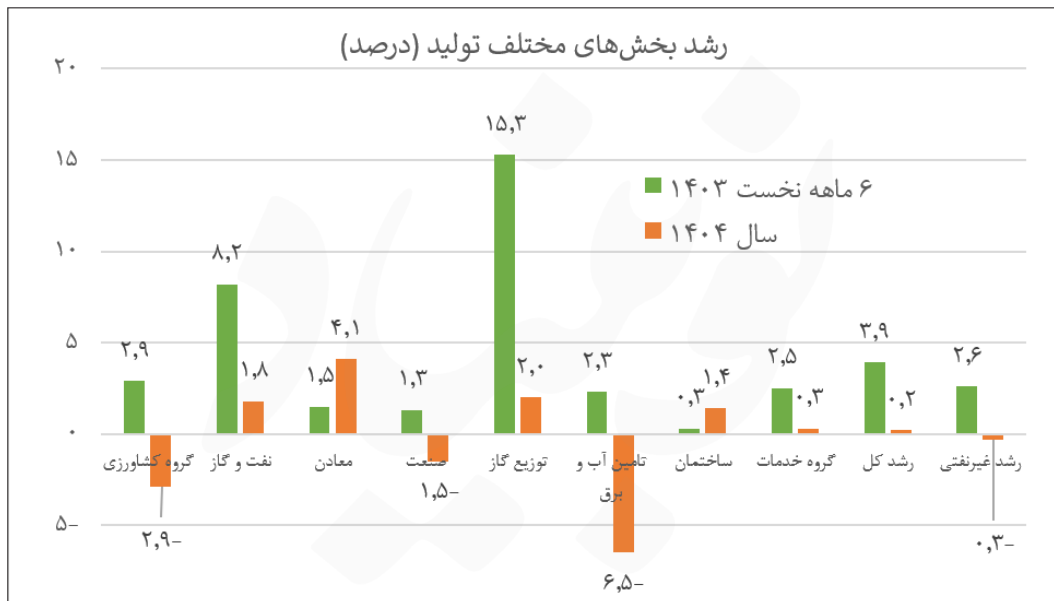
روز گذشته، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس در مطلبی در صفحه شخصی خود در شبکه اجتماعی ایکس، محتوای جلسه یکشنبه ۳۱ خرداد برخی نمایندگان با وزیر اقتصاد و مقامات بانک مرکزی را درباره این مسئله بازگو کرد. میثم ظهوریان نوشت: «مشکل ایجاد شده به واسطه حمله به زیرساخت و هسته خدماتی چهار بانک است که توسط شرکت خدمات انفورماتیک ارائه می‌شود. شرکت مذکور، ارائه‌دهنده خدمات شتاب، شاپرک و... نیز هست و یک شرکت بورسی است که بانک مرکزی ۴۶ درصد سهام آن را دارد و سه بانک مشکل‌دار نیز در آن سهامدار هستند.» وی افزود: «علی‌رغم بررسی‌های انجام شده توسط نهادهای مختلف، تاکنون منشأ و دلیل اصلی حمله مشخص نشده است و حتی تغییر سخت‌افزار هم نتوانسته مشکل را حل کند. سامانه‌های بین‌بانکی دچار مشکلی نشده‌اند و در حال حاضر ظرفیت آن‌ها برای حل مشکل استفاده شده و خدمات پایه چهار بانک برای مردم فعال شده است. برآورد این است که تا دو هفته دیگر مشکل حل شود. در حمله اخیر، برخلاف حمله به بانک سپه در جنگ ۱۲ روزه، نشست اطلاعات مردم اتفاق نیفتاده است.» عضو کمیسیون اقتصادی مجلس تأکید کرد: «مشکل بانک توسعه صادرات حل شده و بانک تجارت نیز با راهکار اختصاصی، اغلب خدمات خود را راه‌اندازی کرده است؛ اما دو بانک دیگر از سامانه‌ها هور استفاده می‌کنند. بانک صادرات نیز برآورد کرده که به جز خدمات چک، تا پایان هفته بقیه خدمات را راه‌اندازی خواهد کرد.»

گزارش مرکز آمار ایران نشان می‌دهد؛

دستاورد جدید در خلق رکود تورمی

رئیس دولت چهاردهم روز گذشته به صورت رسمی به نقش دولت در بروز تورم کنونی اذعان کرد. این همان موضوعی بود که منتقدان نیز بارها به آن اشاره کرده بودند؛ اما مسعود پزشکیان

درواکتش به این اظهارات، رسانه‌ها و منتقدان را به همدیاری با دشمن و سیاه‌نمایی متهم می‌کرد و آنان را به «پاسخ درخور» تهدید می‌کرد.



حمید کمار
روزنامه نگار

«قابل قبول نیست بگویم رشد اقتصادی به ۱۰ درصد رسیده است، اما گروهی از مردم همچنان در فقر، بیکاری و بیماری باقی مانده‌اند. ترجیح می‌دهم رشد ۵ درصدی داشته باشیم، اما مشکلات این گروه از مردم نیز برطرف شود.» این جملات، اظهارات یکشنبه ۳۱ خرداد مسعود پزشکیان در سی‌وسومین همایش سالانه پولی و ارزی بانک مرکزی بود. دیروز، یعنی درست یک روز پس از این اظهارات، مرکز آمار گزارش داد که رشد بخش غیرنفی اقتصاد کشور در سال ۱۴۰۴ برای اولین بار در ۶ سال اخیر به زیر صفر رسیده است؛ یعنی نه تنها بخش غیرنفی اقتصاد کشور نسبت به سال ۱۴۰۳ رشد نکرده، بلکه کوچک تر شده است. طبق اعلام مرکز آمار، مصرف خانوار در سال گذشته کاهش داشته که نشانگر افت سطح رفاه مردم و گسترش فقر است.

گزارش مرکز آمار نشان می‌دهد اقتصاد کشور در سال ۱۴۰۴ رشد ۰٫۲ درصدی را ثبت کرده، اما بخش غیرنفی با کاهش ۰٫۳ درصدی تولید مواجه شده است. این یعنی با حذف بخش نفت و گاز از اقتصاد، رشد اقتصادی کشور زیر صفر بوده و تولید در سال گذشته عقبگرد داشته است. مقایسه ارقام رشد ۱۴۰۴ با رشد ۶ ماهه نخست سال ۱۴۰۳، یعنی پایان دولت شهید رئیسی، نکات جالبی را نشان می‌دهد. در شش ماهه نخست سال

۱۴۰۳، رشد بخش کشاورزی ۲٫۹ درصد بوده است. در پایان ۱۴۰۴ هم بخش کشاورزی رشد همین عدد را ثبت کرده، اما با یک علامت منفی. رشد منفی ۲٫۹ درصدی این بخش در سال گذشته، بدترین رشد این بخش در ۴ سال اخیر، از ۱۴۰۱ تاکنون، بوده است.

کاهش تولید صنعت و کشاورزی

رشد گروه صنایع و معادن که در نیمه نخست ۱۴۰۳ معادل ۵ درصد بوده، به ۰٫۵ درصد محدود شده است. صنعت نفت و گاز هم که در نیمه نخست ۱۴۰۳ رشد ۸٫۲ درصدی را تجربه کرده بود، در پایان ۱۴۰۴ رشد ۱٫۸ درصدی را تجربه کرد. بخش صنعت در سال ۱۴۰۴ رشد منفی ۱٫۵ درصدی را تجربه کرد، در حالی که در نیمه نخست ۱۴۰۳ رشد این بخش ۱۱٫۳ درصد بود. رشد بخش توزیع گاز که در پایان دولت گذشته ۱۵٫۳ درصد بود، در سال ۱۴۰۴ به تنها ۲ درصد محدود شد. تأمین آب و برق هم از رشد ۲۰۳ درصدی در پایان دولت گذشته، به منفی ۶٫۵ درصد در سال ۱۴۰۴ رسید. بخش خدمات که حدود نیمی از اقتصاد کشور را تشکیل می‌دهد، در پایان دولت سیزدهم رشد ۲۰۵ درصدی داشت، اما در سال ۱۴۰۴ این رقم به ۰٫۳ درصد کاهش یافت. این ارقام نشان می‌دهد بخش تولید کشور در سال ۱۴۰۴ نسبت به میانه سال ۱۴۰۳ عقبگرد محسوسی داشته است.

افت مصرف خانوار و گسترش فقر

در سمت مصرف هم اوضاع، همچون

روایت وخیم‌تر بانک مرکزی از رشد اقتصادی ۱۴۰۴

یک روز پیش از آنکه مرکز آمار جزئیات رشد اقتصادی ۱۴۰۴ را منتشر کند، مدیرکل سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی از رشد منفی ۰٫۷ درصدی اقتصاد کشور در سال گذشته خبر داد.

جعفر مهدی‌زاده روز یکشنبه ۳۱ خرداد، در حاشیه سی‌وسومین همایش سالانه پولی و ارزی بانک مرکزی، اظهار داشت: «در پایان سال گذشته، رشد نقدینگی ۵۳٫۳ درصد و رشد اقتصادی منفی ۷ دهم درصد بود.» اظهارات این مقام بانک مرکزی نشان می‌دهد روایت بانک مرکزی از وضعیت اقتصاد کشور در سال گذشته، ناگوارتر از گزارش مرکز آمار بوده است.

کابوس رکود تورمی بر سر اقتصاد ایران

با انتشار آمار رشد و آشکار شدن حقیقت عقبگرد تولید در سال ۱۴۰۴، مشخص شد که اقتصاد ایران اکنون یکی از شدیدترین رکودهای تورمی خود را سپری می‌کند. از میانه سال ۱۴۰۳ و درست هم‌زمان با شروع به کار دولت پزشکیان، رشد اقتصادی روند نزولی و نرخ تورم روند صعودی به خود گرفت. در صورتی که این روندها در سال جاری هم ادامه داشته باشد، وضعیت رکود تورمی تشدید شده و رهایی از آن به مراتب دشوارتر خواهد شد.

گزارش تازه مرکز پژوهش‌های مجلس از وضعیت صنعت برق در سال ۱۴۰۴، تصویری دوگانه از این بخش ارائه می‌دهد؛ از یک سو ظرفیت نیروگاه‌های تجدیدپذیر با سرعت بالایی افزایش یافته و معاملات برق در بورس انرژی به اهداف برنامه نزدیک شده، اما از سوی دیگر، ناترازی برق، کمبود تولید در ساعات اوج مصرف و عقب‌ماندگی از اهداف برنامه هفتم همچنان پابرجاست. براساس این گزارش، برنامه هفتم پیشرفت برای سال ۱۴۰۴ دستیابی به ظرفیت تولید ۷۶ هزار و ۱۹۱ مگاوات برق در اوج بار را هدف گذاری کرده بود، اما تولید واقعی تنها به حدود ۶۲ هزار و ۷۵۱ مگاوات رسید. به بیان دیگر، عملکرد کشور در این شاخص تنها حدود ۱۴ درصد مسیر مورد انتظار را طی کرده است. در حوزه توسعه نیروگاه‌های نیز وضعیت چندان امیدوارکننده نیست. ظرفیت اسمی کل نیروگاه‌های کشور از ۹۴ هزار و ۵۷۹ مگاوات در سال ۱۴۰۳ به حدود ۹۹ هزار مگاوات رسیده، اما این رقم همچنان فاصله قابل توجهی با هدف ۱۰۴ هزار و ۷۸۲ مگاواتی تعیین شده برای پایان سال دوم برنامه، یعنی پایان سال ۱۴۰۴، دارد. مرکز پژوهش‌های مجلس هشدار می‌دهد که ادامه این روند می‌تواند ناترازی میان تولید و مصرف برق را در سال‌های آینده تشدید کند. البته یک نقطه روشن در گزارش دیده می‌شود. ظرفیت نیروگاه‌های تجدیدپذیر از ۱۴۵۷ مگاوات به ۴۰۸۰ مگاوات افزایش یافته و حدود ۹۳ درصد هدف سال دوم برنامه محقق شده است. بااین حال، تولید واقعی برق تجدیدپذیر هنوز فاصله زیادی با اهداف برنامه دارد. علت اصلی نیز آن است که بخش مهمی از این نیروگاه‌ها در نیمه دوم سال وارد مدار شده‌اند و فرصت تولید کامل نداشته‌اند.

در سمت مصرف، آمارها نشان می‌دهد مصرف برق کشور در سال ۱۴۰۴ به ۳۴۵ میلیارد کیلووات ساعت رسیده است. بخش صنعت با سهم ۳۵ درصدی، بزرگ‌ترین مصرف‌کننده برق کشور باقی مانده و پس از آن، بخش خانگی با سهم حدود ۳۲ درصد قرار دارد.

نکته قابل توجه این است که حداکثر نیاز مصرف برق در اوج بار به ۷۷ هزار و ۴۹۷ مگاوات رسیده که تنها ۵۶۴ مگاوات بیشتر از هدف برنامه است. این شاخص از نگاه گزارش، عملکردی نسبتاً مطلوب محسوب می‌شود. اما همین جا یک تناقض جدی مطرح می‌شود؛ گزارش تأکید دارد که با وجود کاهش ظاهری ناترازی نسبت به سال قبل، میزان خاموشی‌های اعمال شده در عمل افزایش یافته است. از همین رو، مرکز پژوهش‌های مجلس احتمال داده که برآورد تقاضای برق یا روش محاسبه آن در یکی از دو سال اخیر نیازمند بازنگری و تدقیق باشد. شاید نگران‌کننده‌ترین عدد گزارش، مربوط به «بار تأمین نشده در اوج تقاضا» باشد؛ شاخصی که عملاً میزان کمبود برق را نشان می‌دهد. این رقم در سال ۱۴۰۴ حدود ۱۴ هزار و ۷۴۶ مگاوات بوده است؛ در حالی که برنامه هفتم برای این سال عدد ۷۴۲ مگاوات را هدف گذاری کرده بود. به عبارت دیگر، صنعت برق نه تنها به هدف نزدیک نشده، بلکه هنوز فاصله‌ای عظیم به آن دارد.

گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس از وضعیت نامطلوب امنیت انرژی خبر می‌دهد. شاخص تنوع منابع تولید برق ایران در سطح ۳۸٫۵ درصد قرار گرفته که در طبقه «ضعیف» ارزیابی می‌شود. وابستگی شدید به گاز طبیعی همچنان مهم‌ترین نقطه ضعف ساختار تولید برق کشور است. بازوی پژوهشی مجلس تأکید کرد که صنعت برق ایران در سال دوم برنامه هفتم، اگرچه در توسعه تجدیدپذیرها و بازار برق پیشرفت‌هایی داشته، اما در مهم‌ترین مأموریت خود، یعنی رفع ناترازی و تضمین تأمین پایدار برق، هنوز فاصله زیادی با اهداف تعیین شده دارد؛ فاصله‌ای که اگر جبران نشود، تحقق اهداف برنامه هفتم را باتردید جدی مواجه خواهد کرد.



بازار سهام پس از یک ماه روند مثبت، نخستین روز تابستان ۱۴۰۵ (دیروز؛ دوشنبه، یکم تیرماه) را با افت شاخص کل بورس به عنوان نماگر بازار آغاز کرد. این در حالی است که روز گذشته زنگ تابستانی معاملات بورس نواخته شد. ارزش معاملات خرد سهام و صندوق‌های سهامی و پایانی (TAL) به ۴۶ هزار و ۲۷۴ میلیارد تومان رسید. ارزش کل بازارهای سهام ایران، شامل بورس، بازار پایه و فرابورس، نیز در محدوده ۱۷ هزار و ۴۹۷ میلیارد تومان قرار گرفت. روز گذشته حقیقی‌ها ۷ هزار میلیارد تومان پول از سهام و صندوق‌های سهامی خارج کردند. شاخص کل بورس تهران دیروز با افت ۵۳ هزار و ۲۹۸ واحدی (۱٫۰۴ درصدی) به ۵ میلیون و ۷۲ هزار و ۶۷۷ واحد رسید. شاخص هم‌وزن نیز ۱۶ هزار و ۷۹۳ واحد (۱٫۳ درصد) کاهش یافت و در محدوده یک میلیون و ۳۲۵ هزار و ۱۴۷ واحد ایستاد. شاخص کل فرابورس با ۵۵۲ واحد (۱٫۴ درصد) کاهش به سطح ۲۲۱ هزار و ۲۲۱ واحد رسید. سیدعلی مدنی‌زاده، وزیر امور اقتصادی و دارایی، در مراسم نواختن زنگ آغاز معاملات بورس تابستان ۱۴۰۵ با اشاره به برنامه‌های دولت برای تقویت بازار سرمایه، از آغاز دوره‌ای متفاوت در بورس خبر داد و ابراز امیدواری کرد تابستان ۱۴۰۵ به فصلی پربازده و پایتاب برای فعالان بازار سرمایه تبدیل شود. رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار هم گفت: بازار سرمایه از مراحل مختلف مدیریت بحران عبور کرده و اکنون، پس از طی مرحله سوم، به تعادل نسبی رسیده و در مرحله تثبیت تعادل قرار دارد؛ مرحله‌ای که زمینه ورود به فاز رونق را فراهم می‌کند. او ابراز امیدواری کرد بازار سرمایه در تابستان ۱۴۰۵ وارد دوره‌ای جدید از رونق و توسعه شود و بتواند نقش مؤثرتری در رشد اقتصادی و پیشرفت کشور ایفا کند.

بین الملل

فاکس نیوز: توقف جنگ تا انتخابات نوامبر به نفع ترامپ است

برایان کیلمید مجری فاکس نیوز در برنامه تلویزیونی گفت: «زمان آن رسیده که برای خیر کشور به تصویر بزرگ‌تر نگاه کنیم، زیرا این همان کاری است که رئیس‌جمهور باید انجام دهد. رئیس‌جمهور باید جنگ را فعلاً متوقف کند و مهار ایران از فاصله‌ای امن، از نظر داخلی و سیاسی منطقی است. این کار به جمهوری خواهان شانس واقعی برای موفقیت در انتخابات میان‌دوره‌ای می‌دهد؛ چیزی که به آن نیاز دارند، و همچنین باعث می‌شود پول بیشتری در جیب آمریکایی‌ها باقی بماند.»

وی هدف ترامپ برای اصرار بر توافق با ایران و توقف جنگ را اینگونه تشریح کرد: «این توافق در آستانه ایجاد یک جهش بزرگ اقتصادی در ماه‌های ژوئن، ژوئیه و اوت است. کاهش قیمت نفت از هم‌اکنون آغاز شده و به افت قیمت بنزین و گازوئیل منجر می‌شود و بازار سهام را به سمت ثبت رکوردهای جدید سوق می‌دهد.»

این مجری از برنامه کاخ سفید برای بعد از تفاهم اینگونه پرده برداشت: «احساس می‌کنم رئیس‌جمهور با خود می‌گوید: فقط مرا تا انتخابات نوامبر برسانید و اگر ایران همچنان مانند یک دولت حامی تروریسم رفتار کند و در کنار مذاکرات بی‌پایان و بی‌نتیجه به اعمال فشار علیه ما ادامه دهد در این صورت در آن زمان شاهد عملیات خشم حماسی ۲ خواهیم بود؛ نسخه دوم آن عملیات.»



فارن پالیسی می‌گوید پیامدهای جهانی جنگ ایران به زودی رفع نخواهد شد

نامید از جنگ؛ امیدوار به مذاکره

به‌سختی می‌توان گزارش یا تحلیلی یافت که در بیش از چهار ماه گذشته از آغاز جنگ تا به امروز، تصریح کرده باشند که آمریکا توانسته است حتی یکی از اهداف خود در جنگ با ایران را محقق کند. فارن پالیسی هم در امتداد همین ترند، در یکی از آخرین گزارش‌های خود، جنگ با ایران را مبداء یک تغییر ژئوپلیتیکی بزرگ در جهان یاد کرد.



احسان میرباقری

روزنامه‌نگار

سیا، گفت ایرانی‌ها «اکنون قدرت تنگه را می‌شناسند». او افزود: «آن‌ها احتمالاً از آن استفاده خواهند کرد تا کل معماری تحریم‌هایی را که از زمان بیل کلینتون بنا شده است، از هم بپاشند.»

به باور فارن پالیسی، ایران هم خود نقطه ضعف ترامپ را شناخت و هم آن را به جهان نشان داد «شاید مهم‌ترین نکته این باشد که ایران و اکنون تمام جهان ناگهان دریافته است چگونه می‌تواند از بدترین نقطه ضعف ترامپ بهره‌برداری کند. آن نقطه ضعف، ترس عمیق رئیس‌جمهور از سقوط بازار در دوران زمامداری او و گرایش ناشی از آن به «تاکو» است؛ یعنی اینکه ترامپ همیشه جا می‌زند، چه در جنگ‌های تعرفه‌ای‌اش و چه در مطالبه‌اش برای تصرف گرینلند.»

این وضعیت شکست در جنگ، آمریکا را به تقلا برای پیروزی در مذاکره سوق داد. از همین رو بود که در روزهای اخیر برخی از احتمال شکست ایران در مسیر دیپلماسی پس از پیروزی در میدان نظامی سخن گفته‌اند. به بیان دیگر آمریکا و رژیم صهیونیستی به دلیل اهمیت راهبردی تنگه هرمز و مدیریت هوشمندانه جنگ توسط ایران و جبهه مقاومت، میدان نبرد نظامی را برای رسیدن به اهداف خود نامناسب دیدند و سراسیمه به میز مذاکرات متوسل شدند. ایران با پذیرش بازگشایی تنگه هرمز در ازای تعهدات ناچیز آمریکا عملاً یکی از اهرم‌های قدرت خود را کنار گذاشته و راه تنفس را برای دشمن باز کرده است.

هراس انگیز نخواهد بود؛ نه فقط در خاورمیانه، بلکه در ایندوپاسفیک و اروپا نیز». براساس گزارش فارن پالیسی، رئیس‌جمهور آمریکا، در این جنگ حتی یک دستاورد هم نداشت «رئیس‌جمهور آمریکا در این جنگ هیچ به دست نیاورد و در عوض ده‌ها میلیارد دلار هزینه کرد و جان هزاران نفر، از جمله دست کم ۱۳ آمریکایی کشته شده، از دست رفت. ترامپ برای گرفتن وعده‌هایی مبهم از تهران، به اقتصاد آمریکا که تازه گرفتار تورم شده بود آسیب جدی زد؛ به پایگاه سیاسی خود در داخل کشور خیانت کرد؛ ذخایر تسلیحاتی حیاتی آمریکا را به شدت تحلیل برد؛ چین را توانمندتر کرد و جایگاه نسبی آن را بالا برد؛ متحدان آمریکا را از خود راند؛ و کشورهای خلیج فارس را تضعیف کرد.»

به باور این رسانه، تهران اکنون در صورتی که تصمیم بگیرد، اهرمی برای فروپاشاندن تحریم‌ها هم دارد، سلاحی که پیش از این در اختیار نداشت «از آنجا که تهران همچنان توانایی کنترل تنگه هرمز و استفاده از آن برای گرفتن امتیاز از واشنگتن و کشورهای خلیج فارس را دارد، ایران اکنون از اهرمی بر منطقه و اقتصاد جهانی برخوردار است که پیش‌تر هرگز در اختیار نداشت. رولت مارک گرش، کارشناس ایران و افسر پیشین سازمان

به گزارش فارن پالیسی، سایه اثرات این جنگ تا سال‌ها بر سر آمریکا و رژیم اسرائیل باقی خواهد ماند «جنگ غیرتحریک‌شده و شکست‌خورده آنان علیه ایران احتمالاً دگرگونی‌ای بنیادین را در موازنه‌های قدرت جهانی به حرکت درآورده است؛ تغییری که در ماه‌ها و سال‌های پیش رو، هم ایالات متحده و هم اسرائیل را به‌طور نسبی ضعیف‌تر خواهد کرد.

ترامپ اکنون، چه در داخل کشور و چه در سراسر جهان، چهره‌ای به شدت تضعیف شده است؛ گزافه‌گویی‌های جهانی‌اش به خاکسترو تهیدیهایی توخالی بدل شده‌اند. در آینده قابل پیش‌بینی، نمایش قدرت آمریکا دیگر مانند گذشته

نامید از جنگ؛ امیدوار به مذاکره

جنگ غیرتحریک‌شده و شکست‌خورده آنان علیه ایران احتمالاً دگرگونی‌ای بنیادین را در موازنه‌های قدرت جهانی به حرکت درآورده است؛ تغییری که در ماه‌ها و سال‌های پیش رو، هم ایالات متحده و هم اسرائیل را به‌طور نسبی ضعیف‌تر خواهد کرد.

یادداشت

مردم؛ نامحرم در مذاکرات

علیرضا خوشبخت
روزنامه‌نگار

افکار عمومی نه به متن‌های محرمانه دسترسی دارد و نه در جلسات مذاکره حضور دارد. آنچه مردم می‌بینند، روایت‌هایی است که از سوی طرفین ارائه می‌شود و براساس همان روایت‌ها درباره موفقیت یا شکست یک مسیر قضاوت می‌کنند. مشکل امروز اما اینجاست که به نظر می‌رسد تیم مذاکره‌کننده ایرانی نه تنها در میدان مذاکره، بلکه در میدان روایت نیز ابتکار عمل را از دست داده است.

در هفته‌ها و ماه‌های اخیر، بارها شاهد بوده‌ایم که مقامات آمریکایی جزئیات، اهداف و دستاوردهای مذاکرات را با صراحت تشریح کرده‌اند، اما در سوی دیگر یا سکوت حاکم بوده یا تکذیب‌هایی مطرح شده که عمر برخی از آنها از چند ساعت نیز فراتر نرفته است. آخرین نمونه آن اظهارات جی دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، درباره تفاهم سوئیس است. ونس با صراحت از بازگشت بازرسان آژانس، سازوکارهای مربوط به دارایی‌های ایران و حتی ابعاد منطقه‌ای مذاکرات سخن گفت. این در حالی بود که پیش از آن، مقامات ایرانی اساساً مذاکره درباره برخی از این موضوعات را رد یا کم‌اهمیت جلوه داده بودند.

مسئله فقط اختلاف روایت نیست؛ مسئله این است که در اغلب موارد، گذر زمان روایت طرف آمریکایی را به واقعیت نزدیک‌تر نشان داده است. نتیجه چنین وضعیتی نیز چیزی جز فرسایش اعتماد عمومی نیست. وقتی مردم بارها با تکذیب‌هایی مواجه می‌شوند که چند روز بعد با اظهارات طرف مقابل یا تحولات میدانی زیر سؤال می‌رود، طبیعی است که به تدریج اعتبار روایت رسمی آسیب ببیند.

این وضعیت زمانی نگران‌کننده‌تر می‌شود که به متن تفاهم‌نامه نیز رجوع کنیم. براساس مواد مختلف این تفاهم و همچنین پیش‌شرط‌های تصریح‌شده برای آغاز مذاکرات هسته‌ای، قرار بود برخی تعهدات طرف مقابل پیش از ورود به مراحل بعدی محقق شود. با این حال، امروز بحث بازگشت بازرسان، دسترسی به تأسیسات و موضوعات فنی هسته‌ای مطرح است، در حالی که درباره تحقق بسیاری از تعهدات طرف مقابل همچنان ابهام‌های جدی وجود دارد. همین شکاف میان آنچه روی کاغذ آمده و آنچه در عمل رخ می‌دهد، نیازمند توضیحی روشن و شفاف است؛ توضیحی که تاکنون ارائه نشده است.

مشکل دیگر، سکوت در برابر ادعاهای طرف آمریکایی است. وقتی معاون رئیس‌جمهور آمریکا از دستاوردهای مشخص خود سخن می‌گوید و روایت او ساعت‌ها بدون پاسخ مؤثر در فضای رسانه‌ای دست به دست می‌شود، عملاً این روایت آمریکاست که به ذهن افکار عمومی راه پیدا می‌کند.

تیم مذاکره‌کننده حق دارد جزئیات محرمانه را منتشر نکند، اما نمی‌تواند انتظار داشته باشد افکار عمومی صرفاً براساس اعتماد، روایت رسمی را بپذیرد؛ آن هم در شرایطی که هر روز ادعاهای جدیدی از سوی واشنگتن مطرح می‌شود و پاسخ روشنی به آنها داده نمی‌شود. سرمایه اعتماد عمومی با سکوت، ابهام و تکذیب‌های موقت نابود می‌شود.

یادداشت

نقد برای آمریکا؛
نسیه برای ایرانامیر شهشهانی
روزنامه‌نگار

اظهارات اخیر جی دی ونس درباره تفاهم سوئیس، شاید بیش از هر متن و بند محرمانه‌ای، ماهیت نگرانی‌ها و اولویت‌های طرف آمریکایی را آشکار کرد. وقتی معاون رئیس‌جمهور آمریکا با صراحت اعلام می‌کند که ایران با بازگشت بازرسان آژانس موافقت کرده و حتی بالحنی طنزآلود از تماس‌های ساعت دو بامداد با بازرسان هسته‌ای سخن می‌گوید، در واقع مهم‌ترین دستاورد فوری واشنگتن از این تفاهم را فاش می‌کند.

منتقدان تفاهم سوئیس از نخستین ساعات انتشار اخبار آن، دقیقاً بر همین نقطه انگشت گذاشتند؛ اینکه اقدامات فوری و نقد، از سوی ایران انجام می‌شود اما مطالبات ایران به آینده‌ای نامعلوم، قابل خدعه و قابل نقض حواله داده شده است. به عبارت دیگر، آنچه نگرانی آمریکا و اسرائیل را در روزهای نخست برطرف می‌کند، همین امروز محقق می‌شود اما آنچه قرار است نگرانی‌های ایران را رفع کند، در آینده‌ای مبهم وعده داده می‌شود. در همین چارچوب باید به مسئله تنگه هرمز نیز توجه کرد. باز ماندن این شاهراه حیاتی انرژی، مهم‌ترین دغدغه ترامپ و متحدانش را برطرف کرد. خود او در اجلاس جی ۷ اذعان داشت که ذخایر استراتژیک نفت آمریکا تنها برای چند هفته دیگر کفایت می‌کند. بسته شدن تنگه هرمز می‌توانست بازار جهانی انرژی را وارد بحرانی کند که از منظر دامنه و آثار، حتی از بحران مالی ۲۰۰۸ و شوک‌های ناشی از کرونا نیز فراتر رود. اما این نگرانی بزرگ غرب، بدون دریافت تضمین‌های قطعی و هم‌وزن، عملاً برطرف شد.

در مقابل، اصرار غیرعادی آمریکا بر بازگشت فوری بازرسان آژانس به تأسیسات بمباران‌شده ایران و آگاهی از وضعیت و محل ذخایر اورانیوم غنی‌شده، پرسش‌های جدی ایجاد می‌کند. چرا در نخستین ساعات پس از توافق، این مسئله تا این اندازه برای واشنگتن اهمیت دارد؟ پاسخ روشن است؛ زیرا ذخایر ۳۰۵، ۲۰ و به‌ویژه ۶۰ درصدی اورانیوم ایران همچنان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت کشور محسوب می‌شوند. همان‌گونه که حذف حزب‌اللهی رژیم صهیونیستی یک هدف راهبردی است، از میان برداشتن یا بی‌اثر کردن این مؤلفه قدرت نیز در رأس اولویت‌های آمریکا و اسرائیل قرار دارد.

تجربه نیز هشدار می‌دهد که برخی خطاها آزمون و خطا نیستند. برخی تصمیمات رانمی‌توان یک ماه بعد یا یک سال بعد اصلاح کرد. نابودی ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران صرفاً از دست رفتن چند تن ماده هسته‌ای نیست؛ نابودی سرمایه‌ای است که به پای هر گرم آن خون هزاران شهید و ده‌ها دانشمند هسته‌ای این کشور ریخته شده است. اگر روزی این ذخایر راهبردی برائیک عقب‌نشینی غیرقابل بازگشت از میان برود، آن اتفاق دیگریک اشتباه سیاسی نخواهد بود، بلکه خسارتی تاریخی خواهد بود که آثار آن تا سال‌ها بر امنیت ملی کشور سایه خواهد انداخت. چنین تصمیمی، مصداق همان هشدار است که رهبر شهید انقلاب درباره خطر تبدیل عقب‌نشینی‌های تاکتیکی به شکست‌های راهبردی مطرح کرده بود؛ تصمیمی که منجر به عقوبت الهی برای مسببان آن خواهد شد.

تفاهم اولیه؛
سکوی
زیاده‌خواهی
آمریکا

ونس توافق نهایی را به خانه‌ای تشبیه کرد که هنوز ساخته نشده و تنها بی آن ریخته شده است؛ اما واقعیت آن است که در همین مرحله نیز آمریکا از بازگشت بازرسان آژانس، نظارت و تصمیم برای دارایی‌های ایران، تضمین باز بودن تنگه هرمز و مدیریت پرونده‌های منطقه‌ای سخن می‌گوید، در حالی که پیش‌شرط‌های اساسی تفاهم‌نامه همچنان روی زمین مانده‌اند. نه دسترسی آزادانه به منابع مالی کشور فراهم شده و نه تضمینی برای پایبندی طرف مقابل وجود دارد و نه جبهه‌ها به پایان رسیده است. چنین روندی این نگرانی را تقویت می‌کند که توافقی که هنوز ساخته نشده، پیش از تکمیل شدن، به سکوی طرح خواسته‌های تازه غرب تبدیل شده است.

آمریکا با تشریح جزئیاتی از مذاکرات سوئیس، تصویری کاملاً متفاوت ارائه کرد؛ تصویری که نشان دهنده عبور از خطوط قرمز و حتی تفاهم روسای جمهور دو کشور است.



محسن فرهمند

روزنامه‌نگار

جمهوری اسلامی ایران باید به‌طور کامل در دسترس ایران قرار گیرد و هرگونه پرداخت به ذی‌نفع نهایی تعیین‌شده از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران امکان‌پذیر باشد. بر همین اساس، اگر روایت ارائه‌شده از سوی ونس مبنا قرار گیرد، نه تنها بند ۱۱ تفاهم‌نامه نقض شده بلکه ماده ۱۳ آن نیز عملاً زیر سؤال رفته است؛ زیرا آغاز مذاکرات نهایی منوط به تحقق پیش‌شرط‌هایی از جمله اجرای تعهدات مالی، دسترسی آزادانه به دارایی‌ها و سایر مفاد اولیه بوده است. این در حالی است که هیچ‌یک از پیش‌شرط‌های اصلی هنوز تحقق نیافته‌اند. نه دسترسی آزادانه ایران به منابع مالی خود محقق شده، نه صهیونیست‌ها از جنوب لبنان عقب‌نشینی کرده‌اند و نه تضمین معتبری برای پایبندی آمریکا به تعهداتش ارائه شده است. با این حال، دامنه مطالبات غربی‌ها روز به روز گسترده‌تر می‌شود. سخنان ترامپ، ونس و درباره لزوم ورود مذاکرات به مسائل منطقه‌ای و مکرون درباره ورود مسائل موشکی به مذاکرات، بار دیگر نشان می‌دهد در منطق غرب، هر امتیاز جدید پایان یک پرونده نیست بلکه آغازی برای طرح مطالبه‌ای تازه است.

آنچه امروز از زبان ونس شنیده می‌شود، صرفاً روایت یک مقام آمریکایی نیست؛ بلکه سندی است از میزان انتظارات و مطالبات طرف مقابل. وقتی واشنگتن از حق نظارت بر پول‌های ایران، بازگشت بازرسان، مدیریت تنش‌های منطقه‌ای و تضمین باز بودن تنگه هرمز سخن می‌گوید اما در مقابل هنوز تعهدات اولیه خود را اجرا نکرده است، طبیعی است که پرسش‌های جدی درباره مسیر فعلی شکل بگیرد. مسیری که اگر قرار باشد به کاهش قدرت بازدارندگی، ترمیم پاشنه آشیل‌های آمریکایی‌ها یعنی بحران نفتی جهانی، نابود شدن ظرفیت‌های هسته‌ای و قرار گرفتن ذخایر راهبردی کشور در معرض تهدید منجر شود، نه یک توافق متوازن بلکه تکرار مرگ بار آزمون و خطایی است که بار قبل نتیجه آن پس از دهمین سال برجام تحمیل دو جنگ بر کشور بود.

ورود مذاکره به منطقه ممنوعه

هنوز یک روز از اعلام رسمی سخنگوی وزارت امور خارجه مبنی بر اینکه «درباره جزئیات مسائل هسته‌ای هیچ مذاکره‌ای در این مرحله صورت نگرفته است» نگذشته بود که معاون رئیس‌جمهور

آزادی اموال ایران به نفع اقتصاد آمریکا

علاوه بر این ونس از سازوکاری سخن گفت که براساس آن اگر دارایی‌های مسدودشده ایران آزاد شوند، آمریکا و حتی قطر بر نحوه مصرف آنها حق تأیید و نظارت خواهند داشت. او با صراحت اعلام کرد این منابع عملاً صرف خرید سوپا، ذرت و گندم آمریکایی خواهد شد و سپس با افتخار این وضعیت را «یک توافق کلاسیک به سبک ترامپ» توصیف کرد. این شاید یکی از عجیب‌ترین بخش‌های روایت آمریکایی از توافق باشد؛ پول متعلق به ملت ایران پس از سال‌ها تحریم و فشار اقتصادی، در صورت آزادسازی نیز قرار نیست آزادانه در اختیار ایران قرار گیرد، بلکه باید با نظارت واشنگتن و از آن مضحک‌تر دوحه مجدداً به اقتصاد آمریکا بازگردد و درآمد کشاورزان آمریکایی را افزایش دهد. گویی از نگاه دولت ترامپ، دسترسی ایران به منابع مالی خود نیز باید در چارچوب منافع اقتصادی ایالات متحده تعریف شود.

اما مسئله فقط به موضوع دارایی‌های بلوکه‌شده محدود نیست. ونس در بخش دیگری از سخنان خود تصریح کرد که آمریکا به دنبال ایجاد سازوکاری برای باز نگه داشتن تنگه هرمز بوده و اکنون این هدف محقق شده است. او همچنین از ایجاد سازوکارهای هماهنگی برای مدیریت تنش‌های منطقه‌ای میان لبنان، حزب‌الله و رژیم صهیونیستی سخن گفت؛ موضوعی که نشان می‌دهد از منظر واشنگتن، مذاکرات فراتر از پرونده هسته‌ای در حال حرکت است و ابعاد امنیتی و منطقه‌ای را نیز در بر گرفته است.

زیاده‌خواهی آمریکا برای دستیابی
برجام‌های جدید

اما مهم‌تر از همه اینها، سخنان ونس درباره نحوه هزینه‌کرد دارایی‌های ایران است. او تصریح کرد آمریکا می‌خواهد سازوکاری ایجاد کند تا اطمینان حاصل شود این وجوه به گفته واشنگتن صرف کمک به مردم ایران شود و در مسیرهای مورد نظر آمریکا قرار گیرد. این موضع در تعارض آشکار با بند ۱۱ تفاهم‌نامه قرار دارد؛ بندی که صراحتاً تأکید می‌کند وجوه و دارایی‌های آزادشده

جی دی ونس معاون ترامپ در کنفرانس خبری تشریح مذاکرات سوئیس گفت: «دقیقاً به همان چیزی که می‌خواستیم دست یافتیم.» عبارتی که اگر در کنار سایر بخش‌های سخنان او قرار گیرد، بیش از آنکه از یک توافق متوازن حکایت داشته باشد، از رضایت کامل طرف آمریکایی نسبت به مسیری خبر می‌دهد که ظاهراً بخش عمده دستاوردهای آن را نصیب واشنگتن کرده است. آمریکا وارد امتیازگیری در مرحله‌ای شده که طبق تفاهم همچنان باید با آن فاصله داشته باشد.

ورود به بحث هسته‌ای؛ عبور از خطوط قرمز

در همین چارچوب، معاون ترامپ از بازگشت بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به ایران خبر داد. این در حالی است که تنها یک روز پیش از آن، اسماعیل بقایی تصریح کرده بود که «درباره جزئیات مسائل هسته‌ای هیچ مذاکره‌ای صورت نگرفته است.» تناقضی که این پرسش را پیش روی افکار عمومی قرار می‌دهد که اگر موضوعات هسته‌ای اساساً مطرح نبوده‌اند، پس سخنان ونس درباره بازرسان آژانس و ادامه کار تیم‌های فنی دقیقاً به چه معناست؟ موضوع زمانی مهم‌تر شد که وزیر خزانه‌داری آمریکا صدور معافیت فروش نفت ایران را در برابر بازگشایی تنگه هرمز و حضور بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی عنوان کرده است. به بیان دیگر مشخص شد تیم مذاکره‌کننده ایرانی نه تنها وارد منطقه ممنوعه مذاکرات هسته‌ای شده بلکه امتیازات نقدی هم به دشمن در زمینه هسته‌ای داده است. این اتفاق در شرایطی است که رهبری انقلاب با ورود مذاکرات به موضوع هسته‌ای مخالفت داشته‌اند و تفاهم‌نامه اخیر نیز آن را تنها پس از اجرای تعهدات آمریکا پیش‌بینی کرده بود، تعهداتی که همچنان یا اجرا نشده یا با تفسیر آمریکایی در حال اجراست. به بیان دیگر در این روند فاجعه‌بار تیم مذاکره‌کننده ایرانی قبل از تعیین تکلیف تفاهم، دوگام جلوتر نیز امتیاز داده است.

این حرفها به شما که اصلا نمی‌آید آقای تابنده!

سعید مصباح
روزنامه‌نگار

سکوت برخی سلبریتی‌ها در برابر تجاوز نظامی به ایران، اگر از سرترس هم بوده باشد، دست کم اقتضا می‌کرد امروز با احتیاط بیشتری درباره دیگران نسخه بیچند محسن تابنده اما ظاهراً چنین ملاحظه‌ای ندارد. او در واکنش به اظهارات نامناسب یک مداح خطاب به پزشک‌های، در استوری اینستاگرام خود بالحنی چاله‌میدانی نوشته که اگر از ابتدا با برخی مداحان برخورد می‌شد، امروز شاهد چنین رفتارهایی نبودیم. روشن است که اهانت به رئیس‌جمهور یا هر مقام دیگری، رفتاری مذموم و شایسته تقبیح است؛ اما پرسش اینجاست که آیا کسی که سال‌ها از حاشیه امن برخوردار بوده، امروز در جایگاهی هست که دیگران را به برخورد قضایی توصیه کند؟

اگر قرار باشد ملاک، جلوگیری از تکرار تخلف باشد، این قاعده باید درباره همه یکسان اجرا شود. همان روزی که برخی چهره‌های مشهور، در اوج آشوب‌ها، به جای دعوت به آرامش، به آتش التهاب دمیدند و علیه نظام و امنیت ملی موضع گرفتند، اگر قانون بدون تبعیض اجرا می‌شد، شاید امروز کسی احساس مصونیت نمی‌کرد. محسن تابنده خود از جمله کسانی بود که بارها از این حاشیه امن بهره برد؛ نه برخوردی دید، نه محدودیتی، بلکه همچنان از امکانات و فرصت‌های گسترده رسانه‌ای و هنری برخوردار ماند.

تناقض ما چرا آنجاست که همین فرد، پس از آنکه یکی از نزدیکانش در حملات رژیم صهیونیستی جان خود را از دست داد و شهید شد، حتی حاضر نشد نام عامل این جنایت را بر زبان بیاورد. این سکوت، بیش از هر چیز، نشان داد که برخی سلبریتی‌ها در بزنگاه‌های ملی، ترجیح می‌دهند هزینه‌ای نپردازند و یا نقش پیاده نظام امپریالیسم را بازی کنند؛ اما وقتی نوبت به اظهار نظر درباره مسائل داخلی می‌رسد، ناگهان در قامت مدعی قانون‌گرایی ظاهر می‌شوند.

جامعه از همه انتظار دارد که در برابر قانون برابر باشند؛ چه مداح، چه بازیگر و چه هر چهره شناخته‌شده دیگری. اما کسی که خود سال‌ها از فقدان برخورد قانونی سود برده، نمی‌تواند امروز با ژست مطالبه‌گری، دیگران را به برخورد و مجازات توصیه کند. اگر قرار است قانون فصل‌الخطاب باشد، این قانون باید از سلبریتی‌های همیشه مصون آغاز شود، نه از کسانی که صرفاً امروز هدف انتقاد آنان قرار گرفته‌اند.

بازتاب جهانی مقاومت جانانه ایران در نبردی نابرابر در جام جهانی

ما استاد نبردهای نامتقارنیم!

اروپا را متوقف کرد. در شرایطی که محدودیت‌های سفر، مشکلات ویزا و اجبار به رفت‌وآمد میان آمریکا و مکزیک سایه سنگینی بر اردوی ایران انداخته بود، شاگردان امپیرقلعه‌نویی با نمایش مبتنی بر نظم، فداکاری و مقاومت، نگاه‌ها را به خود جلب کردند.



محمد قربانی
روزنامه‌نگار

بود. رسانه‌های بین‌المللی او را عامل اصلی بسته ماندن دروازه ایران دانستند و حتی سرمربی بلژیک نیز پس از بازی به تأثیر تعیین‌کننده او اذعان کرد.

آنچه بیش از هر چیز در روایت این مسابقه برجسته شد، روحیه تیمی ایران بود. علیرضا جهانبخش پس از مسابقه تأکید کرد که سختی‌ها و فشارهای بیرونی، اتحاد بازیکنان را بیشتر کرده است. او گفت تیم ملی برای همه ایرانیان بازی می‌کند و تلاش دارد در شرایط دشوار، لحظه‌ای از شادی و غرور ملی خلق کند.

امپیرقلعه‌نویی نیز پس از بازی با صراحت از شرایط دشوار تیم سخن گفت؛ از محدودیت‌های سفر، زمان کم آماده‌سازی و مشکلاتی که به گفته او برای سایر تیم‌ها وجود نداشت. با این حال، سرمربی ایران معتقد بود بازیکنانش شخصیت واقعی خود را در زمین نشان دادند و اجازه ندادند مشکلات بیرونی بر عملکردشان غلبه کند.

نمایش ایران در برابر بلژیک، بار دیگر نشان داد که ایرانی‌ها استاد جنگ نامتقارن هستند. این مسئله بعد از پیروزی ایران در جنگ نظامی اخیر با آمریکا و رژیم صهیونیستی، حالا در زمین فوتبال اثبات شد. نسبت میان فوتبال و جنگ از چشم کاربران خارجی هم دور نماند و تعداد زیادی از کاربران خارجی هم با مقایسه دروازه ایران با تنگه هرمز، به مقاومت و جنگ نامتقارن ایران در میدان نظامی با قدرت‌های جهان طعنه زدند. پربازدیدترین تصویر از بازی ایران همان تصویری شد که در آن بیرانوند با شیرجه، تنگه هرمز را بسته است!

امروز بعد از جنگ دلیرانه ایران مقابل جانیان جهان، ایران دیگر به عنوان مقاوم‌ترین ملت جهان شناخته می‌شود و در همه جا و هر زمینه‌ای مورد احترام جهانیان است. چیزی که بیش از همه آن را مدیون خون شهدا و در راس آنها امام شهیدمان هستیم.

بازیگر را در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرد. این خبر تاکنون بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های منطقه و داشته و همگان در مورد آن اظهار نظر کرده‌اند. اما گرویدن اسپوزیتو به اسلام تنها یک اتفاق ساده نیست. بسیاری معتقدند عربستان سعودی در حال سوءاستفاده تبلیغاتی و استفاده ابزاری از چهره‌های هالیوودی برای بهبود وجهه جهانی خود و تقویت «قدرت نرم» است و الا مسلمان شدن گاس فرینگ نه تنها بد نیست، بلکه در جای خود کار مبارکی به حساب می‌آید. آن‌ها با هزینه‌های کلان، پروژه‌ها و چهره‌های سینمایی را به این کشور می‌کشاند تا از این طریق تصویری مدرن از خود ارائه دهند. به بیان دیگر، این موضوع، اغلب بیش از آنکه حاصل یک جست‌وجوی آزادانه و عمیق الهیاتی باشد، در چارچوب دیپلماسی مذهبی و پروپاگاندای دولتی خاص تعریف شده است تا قرائت رسمی عربستان را در جهان ترویج کند. این روند نشان از یک استراتژی حساب‌شده دارد.

تساوی بدون گل برابر بلژیک، برای ایران فراتر از یک نتیجه فوتبالی بود. بازی یکشنبه نمایشی از ایستادگی تیمی بود که در یکی از پیچیده‌ترین شرایط تاریخ حضورش در جام جهانی به میدان رفت و برخلاف بسیاری از پیش‌بینی‌ها، یکی از قدرت‌های فوتبال

آنچه در لس‌آنجلس رقم خورد، نمایش قهرمانانه تیمی بود که زیر فشارهای بیرونی از هم نپاشید و در زمین مسابقه پاسخی فوتبالی به دشواری‌ها داد. از ستایش درخشش علیرضا بیرانوند تا اذعان بلژیکی‌ها و بزرگان فوتبال به استقامت ایران، همه چیز از یک حقیقت حکایت داشت: تیم ملی ایران در سبشی که کمتر کسی روی آن حساب می‌کرد، چهره‌ای جنگنده و تسلیم‌ناپذیر از خود به نمایش گذاشت. در حالی که همه تیم‌های حاضر سعی می‌کنند تمرکز خود را بر مسابقاتشان بگذارند، تیم ملی فوتبال جمهوری اسلامی ایران، از پیش از سفر به آمریکا درگیر حواشی بسیاری بود. از تهدید جانی رئیس‌جمهور جانی آمریکا تا مشکلاتی که باند تبهکار پهلوی در استادیوم برای تیم به وجود آوردند.

ایران بدون بازی تدارکاتی در اولین بازی خود مقابل نیوزیلند نمایش ضعیفی داشت. همین مسئله باعث شد بازی ایران مقابل بلژیک -یکی از پرستاره‌ترین تیم‌های اروپا- قابل پیش‌بینی‌تر بشود و بازیکنان بلژیک از پیروزی قطعی پرگل برابر ایران حرف بزنند. اما در میدان، داستان متفاوتی شکل گرفت. ایران با ساختاری منظم و فشرده، بارها حملات حریف را خنثی کرد و اجازه نداد برتری فنی بلژیکی‌ها به گل تبدیل شود و حتی در لحظاتی اگر درخشش دروازه‌بان رئال مادرید نبود، تیم ما می‌توانست به بلژیک گل بزند. جیانلوئیجی بوفون، تیری هانری، ریو فردیناند، خوزه مورینیو و ... از بزرگان تاریخ فوتبال -از جمله کسانی بودند که به تمجید از تیم ملی ایران پرداختند.

در مرکز این مقاومت، نام علیرضا بیرانوند می‌درخشید. دروازه‌بان شماره یک ایران با چند واکنش درخشان، ستاره بی‌چون و چرای مسابقه



جانکارلو اسپوزیتو که با شخصیت منفی سریال بریکینگ بد شناخته می‌شود، در جریان حضورش در عربستان سعودی مسلمان شد. ترکی آل‌شیخ، رئیس سازمان کل سرگرمی عربستان با اعلام این خبر، تصویری از اقامه خودش با این

نوبنیاد

■ صاحب امتیاز:

محسن منصوری

■ مدیر مسئول:

حمیدرضا بیانی

■ کدپستی:

۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵

■ آدرس: خ سپهبد قزنی خ شاداد پلاک ۲۲ واحد پنج

■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline

n o b o n y a d o n l i n e . i r

فرهنگ

C U L T U R A L

■ سه‌شنبه ۲ تیر ۱۴۰۵ ■ سال اول ■ شماره ۷۱

یادداشت

آقای فردوسی‌پورا! بلندگوی ناتونباش

ایمان عظیمی
روزنامه‌نگار

پیش از شروع جام جهانی فوتبال، دوستاناران غرب و مدافعان مخفی و خجالتی حمله نظامی به ایران، هیچ بدشان نمی‌آمد که ما هر سه بازی خود در مرحله گروهی را ببازیم و با سرافکندگی به کشور بازگردیم. این‌ها همان‌ها بودند که به خاطر شکست حداقلی در برابر آرژانتین و اسپانیا مردم را وادار به خوشحالی خیابانی کردند تا پروژه خویش مبنی بر ایرانی‌زدایی از مری وطنی را همچنان ادامه دهند.

پس از اتمام قرارداد کی‌روش و همزمانی آن با بلوای «زن، زندگی، آزادی»، «عادل فردوسی‌پورا» و تیم رسانه‌ای‌اش در فوتبال ۳۶۰ تصمیم گرفته‌اند که عقده خود از مدیر شبکه سه سیما را به خاطر تعطیلی برنامه تود تبدیل به پروژه‌ای برای هدف قرار دادن تمام نشانه‌های مرتبط با ایران و اسلام کنند. به همین دلیل هم بود که جام جهانی ۲۰۲۲ برخلاف جام جهانی ۲۰۲۶ جایی برای اهدای گل و شیرینی نبود و هر بلایی که دلشان خواست را سرتیم ملی آوردند تا در برابر انگلیس آن نتیجه عجیب و غریب رقم بخورد.

وقتی ایران شش گل از تیم ساوتگیت دریافت کرد، با خنده‌های زیرپوستی اشک تساح ریختند که این تیم جمهوری اسلامی منهای ایران است و ببینید که بی‌برنامگی و سوءمدیریت مدیران نظام چه بلایی سرتیم فوتبال ما آورده است. این خط اگر چه برای کشور و دوستاناران فوتبال ملی و باشگاهی خطرناک بود، اما برای رسانه‌های تفرقه‌انداز لقمه‌ای چرب و نرم به نظر می‌رسید که در گلو گیر نمی‌کرد. فردوسی‌پورا در فوتبال ۳۶۰ حکم کاپیتان این جریان را دارد و از هیچ فرصتی در تخریب تیم ملی و هر چهره‌ای که منسوب به ایران و اسلام بود دریغ نمی‌کند.

برای نمونه، حرکت غدیری وحید شمسایی در حاشیه بازی‌های همبستگی اسلامی همچون آبی در لانه مورچگان، خواب و خیال بازجو- خبرنگاران سمیات ناتورا آشفته کرد، چون از نظرایشان کنش سرمربی تیم ملی فوتسال در عربستان تفرقه‌افکنانه بوده است! یا وقتی بچه‌های تیم ملی پس از گل به ولز در جام جهانی خوشحال شدند در بازگشت فردوسی‌پورا از آن‌ها استنطاق کرد که چرا این حرکت را انجام دادند! اکنون هم بعد از کسب نتیجه مطلوب در بازی با بلژیک، کلی فکر کردند که بگویند شیاطین سرخ اروپا آن تیم سرحال سال‌های پیش نیستند تا همچنان بتوانند مسیر کج به ترکستان را ادامه دهند.